

فهرست

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

- قواعد: اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ / اسم تفضيل و اسم مكان ۷
- ترجمه درس ۱۲
- سؤال‌های امتحانی ۲۱
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۲۳

الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

- قواعد: اُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ اَدْوَانُهُ / اسلوب شرط و ادوات آن ۲۸
- ترجمه درس ۳۱
- سؤال‌های امتحانی ۳۹
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۴۱

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

- قواعد: الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ / معرفه و نكره ۴۶
- ترجمه درس ۵۰
- سؤال‌های امتحانی ۵۹
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۶۲

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: آدَابُ الْكَلَامِ

- قواعد: الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ / جمله بعد از اسم نكره ۶۷
- ترجمه درس ۶۹
- سؤال‌های امتحانی ۷۶
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۷۸

الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْكِذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ

- قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱) / ترجمه فعل مضارع (۱) ۸۳
- ترجمه درس ۸۵
- سؤال‌های امتحانی ۹۳
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۹۶

الدَّرْسُ السَّادِسُ: أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلِ

- قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲) / ترجمه فعل مضارع (۲) ۱۰۱
- ترجمه درس ۱۰۵
- سؤال‌های امتحانی ۱۱۵
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۱۱۸

الدَّرْسُ السَّابِعُ: تَأْتِيرُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

- قواعد: مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ / معانی افعال ناقصه ۱۲۳
- ترجمه درس ۱۲۶
- سؤال‌های امتحانی ۱۳۴
- سؤال‌های چهارگزینه‌ای ۱۳۷

أَشْيَايِ بِا بَرْخِي اَفْعَالِ فَارِسِي

- ۱۴۲

خلاصه درس‌ها

- ۱۴۳

مشاوره شب امتحان

- ۱۴۷
- ۱۴۹
- ۱۵۵
- ۱۶۱
- ۱۷۳





آموزش قواعد و مفاهیم درس

معرفة و نكرة

در این درس ابتدا با مفهوم اسم‌های معرفة و نكرة آشنا خواهید شد و سپس روش ترجمه هر یک از آن‌ها را خواهید آموخت.

معرفة و نكرة چیست؟

اسم معرفة به اسمی گفته می‌شود که نزد گوینده و مخاطب (شنونده یا خواننده) شناخته شده باشد؛ مانند: ایران، معلم، قلم، مدرسه و ...
اما اسم نكرة اسمی است که نزد گوینده و مخاطب (شنونده یا خواننده) شناخته شده نیست؛ مانند: معلمی، قلمی، مدرسه‌ای و ...

علامت‌های معرفة و نكرة در زبان فارسی

در زبان فارسی اسم‌های معرفة هیچ علامتی ندارند؛ مانند: کتاب، خیابان، دانش‌آموز و ...
اما اسم‌های نكرة علامت دارند که معمولاً با افزودن پسوند «ی» به اسم معرفة ساخته می‌شوند؛ یعنی:

در فارسی: اسم معرفة + ی ← اسم نكرة

مثال

کتاب + ی ← کتابی
معرفة نكرة

(البته اینم بگم که هر گردی، گردو نیست؛ یعنی هر اسمی رو که حرف آفرش «ی» دیرین نباید بگین اون اسم هتماً نكرة است؛ چون ممکنه چیز دیگه‌ای باشه؛ مثلاً وقتی می‌گیم فلانی تهرونی (تهرانی است)، حرف «ی» در تهرونی (تهرانی) نشون دهنده «صفت نسبی» است نه نشون دهنده «اسم نكرة»؛ و معنیش اینه که فلانی اهل تهرونه یا اصالتش تهرونیه!)

علامت‌های معرفة و نكرة در زبان عربی

در زبان عربی «تنوین ـ ـة» معمولاً نشانه نكرة بودن یک اسم است؛ مانند: کتاب: کتابی / سَيَّارَةٌ: خودروبی / طالب: دانش‌آموزی
اسم خاص یعنی نام مخصوص کسی یا جایی که در زبان عربی «اسم علم» نامیده می‌شود و همواره معرفة به شمار می‌رود؛ مانند هاشم، مریم، بغداد، لبنان و ...

نکته: اسم‌های خاص (علم) اگر تنوین بگیرند، «نكرة» نمی‌شوند و هم‌چنان «معرفة» به شمار می‌روند؛ مانند: مُحَمَّدٌ ← معرفة / عَلِيٌّ ← معرفة / سَعِيدٌ ← معرفة

اسم معرفة در زبان عربی انواعی دارد، ولی پُر کاربردترین نوع آن «ال» دار است؛ مانند: الْكُتَابُ، الْكُتَابِ، الْكُتَابِ: کتاب ← معرفة / الطَّلَابُ، الطَّلَابِ، الطَّلَابِ: دانش‌آموزان ← معرفة

۳ سَلَّمْتُ عَلَى مُؤْمِنِينَ: به مؤمنانی سلام کردم. / سَلَّمْتُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: به مؤمنان سلام کردم.
 نکره معرفه / نکره معرفه

۴ زَأَيْتُ بَوْمَةً عَلَى شَجَرَةٍ: جغدی را روی درختی دیدم. / زَأَيْتُ الْبَوْمَةَ عَلَى الشَّجَرَةِ: جغد را روی درخت دیدم.
 نکره نکره نکره معرفه / معرفه معرفه معرفه معرفه

تمرین اسم‌های زیر را براساس قواعد معرفه و نکره به فارسی ترجمه کنید:

(۱) صَفٌّ:	(۲) أَلَصْفُ:	(۳) صُفُوفٍ:	(۴) أَلْصُفُوفِ:
(۵) مُعَلِّمُونَ:	(۶) سَحَابٌ:	(۷) رُسُلًا:	(۸) الْعُلَمَاءُ:
(۹) مَلَابِيسٌ:	(۱۰) مُمَرِّضَاتٍ:	(۱۱) أَلْمُمَرِّضَاتُ:	(۱۲) أَلْمُوظَّفَانِ:
(۱۳) أَلْمُلُوكُ:	(۱۴) مُلُوكًا:	(۱۵) أَلتُّصُوصُ:	(۱۶) نُصُوصٌ:

پاسخ

(۱) کلاسی	(۲) کلاس	(۳) کلاس‌هایی	(۴) کلاس‌ها
(۵) معلمانی، معلم‌هایی	(۶) ابری	(۷) پیامبرانی	(۸) دانشمندان
(۹) لباس‌هایی	(۱۰) پرستارانی (مؤنث)	(۱۱) پرستاران (مؤنث)	(۱۲) کارمندها (دو کارمند)
(۱۳) پادشاهان	(۱۴) پادشاهانی	(۱۵) متون، متن‌ها	(۱۶) متونی، متن‌هایی

یک قاعده مهم ترجمه:

معمولاً هرگاه اسمی به صورت «نکره» در یک جمله به کار رود و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود (معرفه بیاید)، می‌توان الف و لام آن اسم را به صورت «این» یا «آن» ترجمه کرد. (فب دلیشم منطقیه؛ چون وقتی شما به نفری رو برای اولین بار می‌بینین، اونو نمی‌شناسین و به اصطلاح ادبی، برای شما نکره و ناشناسه، ولی همون آدم رو آگه دوباره ببینیدش، دیگه براتون ناشناس نیست و می‌شناسیدش!)

مثال

۱ زَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا.
 نکره معرفه / نکره معرفه
 اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند.
 نکره نکره

۲ جَاءَتْ طَالِبَاتٌ. أَلطَّالِبَاتُ دَخَلْنَ سَاحَةَ الْمَدْرَسَةِ.
 نکره معرفه / معرفه معرفه
 دانش‌آموزانی آمدند. آن دانش‌آموزان وارد حیاط مدرسه شدند.
 نکره نکره

چگونه ترکیب‌های «وصفی» و «اضافی» عربی را به فارسی ترجمه کنیم؟

الف) ترکیب‌های وصفی

در ترکیب‌های وصفی که از «موصوف» و «صفت» تشکیل شده است، هر دو یا «ال» دارند یا «تنوین». (یعنی هر دو *شون* یا *رومی* یا *رومینی* یا *زنگی* یا *زنگی!*) ولی اگر هر دو «ال» داشته باشند (هر دو معرفه باشند)، کافی است معادل فارسی آن‌ها را بنویسیم؛ مانند:

أَطَالِبُ الْمُجِدِّدِ: دانش‌آموز کوشا	أَطَالِبُ الْمُجِدِّدِ: دانش‌آموز کوشا
موصوف صفت	موصوف صفت

دقت داشته باشید که «صفت» عربی (چه مفرد، چه مثنی و چه جمع) همواره در فارسی به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود؛ مانند «المُجِدِّدُ» و «المُجِدِّوْنَ» که در دو مثال قبل، هر دو به صورت «مفرد» ترجمه شده‌اند.

ولی اگر هر دو نکره باشند، در ترجمه فارسی آن‌ها، پسوند «ی» را یا به موصوف می‌دهیم یا به صفت.

مثال

طَالِبٌ مُجِدِّدٌ: دانش‌آموز کوشایی، دانش‌آموزی کوشا	طَالِبٌ مُجِدِّدٌ: دانش‌آموز کوشایی، دانش‌آموزی کوشا
صفت موصوف	صفت موصوف

هرگاه در یک ترکیب وصفی، «موصوف» یک اسم خاص باشد، معمولاً «ال» نمی‌گیرد، ولی صفت آن «ال» دار به کار می‌رود.

مثال

إِيرانُ الإسلاميَّةُ: ایران اسلامی	فِلَسْطِينُ المُحْتَلَّةُ: فلسطین اشغالی
موصوف (اسم خاص) صفت (ال دار)	موصوف (اسم خاص) صفت (ال دار)

۱- گاه با اسم‌هایی مواجه می‌شوید که نه «ال» دارند و نه «تنوین» و نه به اسمی «اضافه» شده‌اند! این‌گونه اسم‌ها را نیز معمولاً باید نکره ترجمه کنید. (مانند: «مَلَابِيسٌ»)

ب) ترکیب‌های اضافی

در ترکیب‌های اضافی که از «مضاف» و «مضاف‌الیه» تشکیل شده است، اسم اول یعنی «مضاف»، هیچ‌گاه نه «ال» می‌گیرد و نه «تنوین»؛ بنابراین برای این‌که بدانید این ترکیب را معرفه ترجمه کنید یا نکره، همیشه به اسم دوم (مضاف‌الیه) نگاه کنید؛ اگر معرفه بود، ترکیب اضافی را به صورت معرفه ترجمه کنید و اگر نکره بود، به صورت نکره. ضمناً، در فارسی «مضاف» همواره به صورت «معرفه» ترجمه می‌شود.

مثال

کِتَابِ طَالِبٍ: کتاب دانش‌آموزی نکره	کِتَابِ الطَّالِبِ: کتاب دانش‌آموز معرفه
كُتِبَ طَلَابٍ: کتاب‌های دانش‌آموزانی نکره	كُتِبَ الطَّالِبِ: کتاب‌های دانش‌آموزان معرفه

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكَرَةِ.

(براساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کن.)

- ۱- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ ۲ التَّوْر: ۳۵
«خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مَثَلِ نُورِ او همچون «چراغدانی» است که در آن «چراغی» است. آن چراغ در «شیشه‌ای» است، آن شیشه گویی «اختری درخشان» است.»
 - ۲- ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ...﴾ ۱۵ و ۱۶
«پیامبری نزد فرعون فرستادیم [اولی] فرعون، آن پیامبر را (از آن پیامبر) نافرمانی کرد.»
 - ۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
دانشمندی که از دانش او بهره برده شود، بهتر از هزار عابد است.
- توضیح: همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، «خَيْرٌ» با این‌که «نکره» است، به صورت معرفه ترجمه شده است؛ زیرا «خَيْرٌ» جمله اسمیه است و «عابدٍ» نیز که «نکره» است، به دلیل معدودبودن، به صورت معرفه ترجمه شده است!

واژگان

فعل

تَبَّتْ: رویید (مضارع: يَنْبُتُ)

نَصِيفٌ: توصیف می‌کنیم

خَتَّقَ: خفه کرد (مضارع: يَخْتُقُّ)

سَبَّبَ: سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ / امر: سَبِّبْ)

اسم

غاز: گاز

فَالِقٌ: شکافنده (اسم فاعل)

لُبٌّ: مغز میوه

مَحَاصِلٌ: محصولات

الْمُحِيطُ الْهَادِيٌّ: اقیانوس آرام

مُزَارِعٌ: کشاورز (زارع، فلاح)

مُعَمَّرٌ: کهنسال

مُلَوَّثٌ: آلوده‌کننده (اسم فاعل)

مُؤَاصِفَاتٌ: ویژگی‌ها

نَوَى: هسته [واحد آن: نَوَاة]

أَحَلَّ: حلال‌تر، حلال‌ترین (اسم تفضیل)

إِشْتِعَالٌ: برافروخته‌شدن، سوختن (ماضی: إِشْتَعَلَ / مضارع: يَشْتَعِلُ)

أَطْيَبٌ: خوب‌تر، خوب‌ترین (أَحْسَنُ، أَفْضَلُ (اسم تفضیل)

أَغْصَانٌ، غُصُونٌ: شاخه‌ها، «مفرد: غُصْنٌ»

إِتِّفَافٌ: در هم پیچیدن (ماضی: اِتَّفَفَ / مضارع: يَلْتَفِفُ)

بُدُورٌ: دانه‌ها «مفرد: بَدْرٌ»

جِدْعٌ: تنه، «جمع: جُدُوعٌ»

جُرُزٌ: جزیره‌ها، «مفرد: جَزِيرَةٌ»

جَوْزَةٌ: دانه گردو، بلوط و مانند آن

خَانِقٌ: خفه‌کننده (اسم فاعل)

سِيَاجٌ: پَرچین



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْخَبِّ وَ النَّوَى يُخْرِجُ الْخَبِّيَّ مِنَ الْمَيْتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيْتِ مِنَ الْخَبِيِّ ...﴾ [الأنعام: ٩٥]
 بی‌گمان خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مُرده بیرون می‌آورد و بیرون‌آورنده مُرده از زنده است.

عَجَائِبُ	الأشجارِ
شگفتی‌های	درختان
شگفتی‌های درختان	

ظواهرُ	الطَّبِيعَةِ	تَثْبُتٌ	حَقِيقَةٌ وَاحِدَةٌ	وَ هِيَ	قُدْرَةٌ	اللَّهِ،	أَلطَّبِيعَةُ: طبیعت (معرفه)
پدیده‌های	طبیعت	اثبات می‌کند	یک حقیقت [را]	و آن	قدرت	خدا [است].	حَقِيقَةٌ: حقیقتی (نکره)
پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را اثبات می‌کند و آن قدرت خداوند است.							

وَ	الآنَ	نَصِفُ	بَعْضُ	هَذِهِ	الظَّوَاهِرِ:
و	اکنون (اینک)	وصف می‌کنیم	برخی از	این	پدیده‌ها [را]
[و] اینک برخی از این پدیده‌ها را توصیف می‌کنیم:					

الْعِنَبُ	الْبِرَازِيلِيُّ	شَجَرَةٌ	تَخْتَلِفُ	عَنْ	بَاقِي	أَشجارِ	العَالَمِ،	أَلْبِرَازِيلِيُّ: برزیلی (معرفه)
انگور	برزیلی	درختی [است]	[که] فرق دارد	از	سایر	درختان	جهان	تَوْجِه: «ی» در برزیلی، یاء نسبت است نه علامت نکره. به این اسم در فارسی، «صفت نسبی» گفته می‌شود.
انگور برزیلی درختی است که با سایر درختان جهان فرق دارد.								

تَنْبُتٌ	فِي	الْبِرَازِيلِ،	وَ	تَنْمُو	أَثْمَارُهَا	عَلَى	جِدْعِهَا،
می‌روید	در	برزیل	و	رشد می‌کند	میوه‌های آن (میوه‌هایش)	بر	تنه‌اش
[این درخت] در برزیل می‌روید و میوه‌های آن بر تنه‌اش رشد می‌کند.							

وَ	مِنْ	أَهَمِّ	مُوصَافَاتٍ	هَذِهِ	الشَّجَرَةِ	أَنَّهَا	تُغْطِي	الشَّجَرَةُ: درخت (معرفه)
و	از	مهم‌ترین	ویژگی‌های	این	درخت	[این است] که آن	می‌دهد	
و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که								

أَثْمَاراً	طَوَّلَ	السَّنَةِ.
میوه‌هایی	[در] طول	سال
در [تمام] طول سال میوه‌هایی می‌دهد.		

شَجَرَةٌ	السَّكُوبَا	شَجَرَةٌ	مِنْ	أَطْوَلِ	أَشجارِ	العَالَمِ	فِي	كَالِيفُورِنِيا،	قَدْ	العَالَمِ: جهان (معرفه)
درخت	سکویا	درختی [است]	از	بلندترین	درختان	جهان	در	کالیفرنیا	گاهی	
درخت سکویا درختی است که از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی										

يَبْلُغُ	از تِغَاغُ	بَعْضِهَا	أَكْثَرَ	مِنْ	مِئَةِ	مِثْرٍ	وَ
می‌رسد	ارتفاع	برخی از آن‌ها	[به] بیش	از	صد	متر	و

ارتفاع برخی از آن‌ها به بیش از صد متر می‌رسد و

قَدْ	يَبْلُغُ	قَطْرُهَا	تِسْعَةَ	أَمْتَارٍ،	وَ	يَزِيدُ	عُمْرُهَا
گاهی	می‌رسد	قطر آن [ها]	[به] نه	متر و	و	بیش‌تر [است]	عمرش (عمرشان)

گاهی قطر آن [ها] به نه متر می‌رسد و عمرشان تقریباً بالغ بر

عَلَى	ثَلَاثَةِ	آلَافٍ	وَ	حَمْسِمِئَةِ	سَنَةِ	تَقْرِيْبًا.
بر (از)	سه هزار	و	پانصد	سال	تقریباً (حدوداً)	

سه هزار و پانصد سال است.

سَنَةِ: سال
دَقَّتْ کنید که معدود اعداد عربی، وقتی «نکره» هستند، در فارسی به شکل «معرفه» ترجمه می‌شوند!

الشَّجَرَةُ	الخَائِفَةُ	شَجَرَةٌ	تَنْمُو	فِي	بَعْضِ	الْغَابَاتِ	الْإِسْتَوَائِيَّةِ،
درخت	خفه‌کننده	درختی [است]	[که] رشد می‌کند	در	برخی از	جنگل‌های	استوایی

درخت خفه‌کننده، درختی است که در برخی از جنگل‌های استوایی رشد می‌کند.

تَبْدَأُ	حَيَاتِهَا	بِالْإِنْفَافِ	حَوْلَ	جِدَعِ	شَجَرَةٍ	وَ	عُصُونِهَا،
شروع می‌کند	زندگی‌اش را	با پیچیدن	دور	تنه	درختی (یک درخت) و	شاخه‌هایش	

[این درخت] زندگی‌اش را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه‌هایش شروع می‌کند.

ثُمَّ	تَخْتَفُّهَا	تَدْرِجِيًّا.	يُوجَدُ	نَوْعٌ	مِنْهَا	فِي	جَزِيرَةٍ
سپس	خفه می‌کند آن را	به تدریج (کم‌کم)	وجود دارد	نوعی	از آن‌ها	در	جزیره

سپس آن را به تدریج خفه می‌کند. نوعی از آن‌ها در جزیره

قِشْمٌ	الَّتِي	تَقَعُ	فِي	مُحَافَظَةِ	هَرْمَزَانَ.
قشم	که	واقع است (قرار دارد)	در	استان	هرمزگان.

قشم که در استان هرمزگان قرار دارد، وجود دارد.

قِشْمٌ: قشم (معرفه) ← اسم خاص
هَرْمَزَانَ: هرمزگان (معرفه) ← اسم خاص

شَجَرَةُ	الْخَبْرِ	شَجَرَةٌ	اسْتَوَائِيَّةٌ	تَنْمُو	فِي	جُزُرِ	الْمُحِيطِ	الْهَادِي،
درخت	نان	درختی [است]	استوایی	رشد می‌کند	در	جزایر	اقیانوس	آرام

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می‌کند.

تَحْمِلُ	أَثْمَارًا	فِي	نِهَائِيَّةِ	أَغْصَانِهَا	كَـ	الْخَبْرِ.
نگه می‌دارد (با خود دارد)	میوه‌هایی	در	انتهای	شاخه‌هایش	مانند	نان

در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی دارد [که] مانند نان است.

تَحْمِلُ: (۱) حمل می‌کند (۲) نگه می‌دارد، با خود دارد

يَأْكُلُ	النَّاسُ	لُبُّ	هَذِهِ	الأَثْمَارُ.
می خورد (می خورند)	مردم	مغز	این	میوه‌ها [را]

مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.

شَجَرَةُ النَّفْطِ	شَجَرَةٌ	يَسْتَعْمِدُهَا	الْمُزَارِعُونَ كَـ	سِيَاجٍ	حَوْلَ
درخت نفت	درختی [است] [که]	استفاده می‌کنند از آن	کشاورزان مانند	پَرچینی (یک پَرچین)	اطراف (دور)

درخت نفت، درختی است که کشاورزان از آن مانند یک پَرچین (دیواره‌ای)، اطراف

يَسْتَعْمِدُ: به کار می‌گیرد، به کار می‌بُرد، استفاده می‌کند

الْمُزَارِعِ	لِـ	حِمَايَةٍ	مَحَاصِلِهِمْ	مِنَ	الْحَيَوَانَاتِ؛	لِأَنَّ	رَائِحَةَ
مزرعه‌ها	برای	محافظت کردن	محصولاتشان	از	حیوانات	زیرا	بوی

مزرعه‌ها برای محافظت کردن محصولاتشان از حیوانات، استفاده می‌کنند؛ زیرا

هَذِهِ الشَّجَرَةُ	كَرِيهَةٌ	تَهْرُبُ	مِنْهَا	الْحَيَوَانَاتُ،	وَ	تَحْتَوِي
این درخت	ناپسند [است]	می‌گریزند، فرار می‌کنند	از آن	حیوانات	و	حاوی است

بوی این درخت ناپسند است (بد و نامطبوع است) و حیوانات از آن فرار می‌کنند، و

تَحْتَوِي ... عَلَى ... : حاوی ... است

بُدُورُهَا	عَلَى	مِقْدَارٍ	مِنَ	الرُّبُوبِ	لَا	يُسَبِّبُ	اِسْتِعَالَهَا	خُرُوجَ
دانه‌هایش	-	مقداری از	روغن‌ها	سبب نمی‌شود (باعث نمی‌شود)	سوختن آن‌ها	خارج شدن	دانه‌هایش	حاوی مقدار

دانه‌هایش حاوی مقدار از روغن‌ها است که سوختن آن‌ها باعث خارج شدن

مِقْدَارٍ: مقداری (نکره)

أَيِّ	غَازَاتٍ	مَلُوثَةٍ.	وَ	يُمْكِنُ	إِنْتَاجُ	النَّفْطِ	مِنْهَا.
هیچ	گازهایی (گازی)	آلوده‌کننده	و	ممکن می‌شود (امکان دارد)	تولید	نفت	از آن [ها]

هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود و می‌توان از آن نفت تولید کرد.

أَيِّ: (در ساختار منفی) هیچ

وَ	يُوجَدُ	نَوْعٌ	مِنْهَا	فِي	مَدِينَةِ	نِيكشهر	بِـ
و	وجود دارد	نوعی	از آن	در	شهر	نیکشهر	در

و نوعی از آن به نام درختِ مداد در شهر نیکشهر در

بِ: در (في)

مُحَافَظَةِ	سَيِسْتَانِ	وَ	بَلُوشِسْتَانِ	بِـ	اسْمِ	شَجَرَةِ	مِدَادِ.
استان	سیستان	و	بلوچستان	به	نام	درخت	مداد

استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

شَجَرَةُ	الْبَلُوطِ	هِيَ	مِنَ	الْأَشْجَارِ	الْمُعَمَّرَةِ	وَ	قَدْ
درخت	بلوط	[آن]	از	درختان	کهنسال [است]	و	گاهی

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر این درخت [

تَبْلُغُ	مِنْ	الْعُمُرِ	أَلْفِي	سَنَةٍ.	تُوجَدُ	غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ
می‌رسد	از	عمر	[به] دو هزار	سال.	وجود دارد	جنگل‌های زیبایی

به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آن

غاباتٌ جميلةٌ (ترکیب وصفی): جنگل‌های زیبایی، جنگل‌هایی زیبا ← (نکره)

مِنْهَا	فِي	مُحَافَظَةِ	إِيلَامٍ	وَ	لُرِسْتَانِ.	يَذْفِنُ	السَّنَجَابِ	بَعْضَ
از آن	در	استان	ایلام	و	لرستان	پنهان می‌کند	سنجاب	برخی از

در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب برخی از

جُوزَاتِ	الْبَلُوطِ	السَّلِيمَةِ	تَحْتِ	الثَّرَابِ،	وَ	قَدْ	يَنْسِي
دانه‌های سالم بلوط [را]	زیر	خاک	و	گاهی	فراموش می‌کند		

دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند، و گاهی مکان آن‌ها را

مَكَانَهَا.	وَ	فِي	السَّنَةِ	الْقَادِمَةِ	تَنْمُو	تِلْكَ	الْجَوْزَةُ	وَ	تَصِيرُ	شَجَرَةً.
مکان آن‌ها [را]	و	در	سال	آینده	رشد می‌کند	آن	دانه	و	می‌شود	یک درخت

فراموش می‌کند. و در سال آینده، آن دانه رشد می‌کند و یک درخت می‌شود.

شَجَرَةً: درختی، یک درخت (نکره)

قَالَ	الْإِمَامُ	الضَّادُّقُ	الْعَلَّامُ:	إِزْرَعُوا	وَ	اغْرِسُوا،	...
فرمود	امام	صادق	بر او درود باد	[دانه] بکارید	و	[نهال] بکارید	

امام صادق علیه السلام فرمود: [دانه] بکارید (کشاورزی کنید) و [نهال] بکارید (درختکاری کنید)، ...

وَ	اللَّهُ	مَا	عَمِلَ	النَّاسُ	عَمَلًا	أَحَلَّ	وَ	لَا	أَطْيَبَ	مِنْهُ.
سوگند	[به] خدا	انجام	نداد	(انجام نداده‌اند)	مردم	کاری	حلال	تر	و	نه

به خدا سوگند، مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام نداده‌اند.

عَمَلًا: کاری، عملی (نکره)

صَغُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةٌ مُنَاسِبَةٌ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

(در جای خالی، کلمه مناسبی براساس متن درس قرار بده).

۱- تَبْدَأُ الشَّجَرَةَ الْخَائِنِقَةَ حَيَاتِهَا بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلِ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.

(درخت خفه‌کننده، زندگی‌اش را با پیچیدن دور تنهٔ یک درخت (درختی) و شاخه‌هایش شروع می‌کند.)

۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ.

(سوختن روغن‌های درخت نفت، باعث خارج شدن هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود.)

۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامٍ وَ لُرِسْتَانِ.

(جنگل‌های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان وجود دارد.)

۴- قَدْ يَبْلُغُ از تَفَاعٍ بَعْضِ أَشْجَارِ السَّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِثْرٍ.

(گاهی ارتفاع برخی از درختان سکویا به بیش از صد متر می‌رسد.)

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْرِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.

(درخت نان، در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی دارد [که] مانند نان است.)

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبَرَازِ يَلِي عَلَى جَذْعِ شَجَرَتِهِ.

(میوه‌های انگور برزلی، بر تنهٔ درختش رشد می‌کند.)

حوارٌ (في الملعبِ الرياضيِّ)

إسماعيل اسماعيل	گفت وگویی (در ورزشگاه)	إبراهيم ابراهيم
تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.	لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟ ^١	بیا بریم به ورزشگاه.
لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.	بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةِ؟	برای تماشای چه مسابقه‌ای؟
برای تماشای مسابقهٔ فوتبال.	اين مسابقه بين كياست؟	بين فريق الصّداقةِ و السّعادةِ.
بين تيم «صداقت» و «سعادت».	اَلْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا ^٢ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	دو تيم، دو هفته پيش، مساوی شدن.
أَتَذَكُرُ ^٣ ذَلِكَ.	أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	اونو به یاد میارم. (اونو یادم میاد).
كِلَاهُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ ^٥ بِالْمُتَمَرِّجِينَ ^٤ .	كِدُومِ بِيكِ از تيمَا قوِي ترن؟	هر دوشون قوِين. بايد به ورزشگاه بریم، قبل از اين كه از تماشاچيا پُر بشه.
چشم (رو چشم). بیا بریم.	عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبْ.	
فِي الْمَلْعَبِ در ورزشگاه		
أَنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصّداقةِ. سَيَسْجِلُ ^٧ هَدَفًا ^٨ .	هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمِي ^٩ فَرِيقِ السّعادةِ. هَدَفَ، هَدَفَ!	اون به دروازهٔ تيم «سعادت» حمله كرد. گُل، گُل!
نگاه کن؛ یکی از مهاجمان تيم «صداقت» اومد. به گُل ثبت خواهد كرد (خواهد زد).	لَكِنَّ الْحَكَمَ ^{١٠} مَا قَبِلَ الْهَدَفَ؛ لِمَاذَا؟! ولي داور، گُل رو قبول نكرد؛ چرا؟! أَنْظُرْ، هَجَمَةَ قُوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصّداقةِ.	شاید به خاطرِ آفسايده.
نگاه کن؛ به حملهٔ قوی از طرف بازیکن تيم «صداقت».	مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ؟	از دروازه بان تيم «سعادت» خیلی خوشم میاد.
كَيِّ بَه فِينَالِ مِي رَه؟	مَنْ يُسْجِلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ.	هر كس يه گُل ثبت كنه (به گُل بزنه)، به فينال مِي ره.
اَلْحَكَمُ يَضْرِبُ.	لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلا هَدَفِ.	دوباره بدون گُل، مساوی شدن.
داور سوت می‌زنه.		



١- الْمُبَارَاةُ: مسابقه

٣- أَتَذَكُرُ: به یاد می‌آورم

٥- أَنْ يَمْتَلِئَ: كه پُر شود

٧- سَيَسْجِلُ: ثبت خواهد كرد

٩- الْمَرْمَى: دروازه

١١- اَلتَّسَلُّلُ: آفسايد

١٣- حَارِشُ الْمَرْمَى: دروازه بان

٢- تَعَادَلُ: برابر شد

٤- كِلَا: هر دو

٦- اَلْمُتَمَرِّجُ: تماشاچي

٨- اَلْهَدَفُ: گُل

١٠- اَلْحَكَمُ: داور

١٢- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آيد (ماضي: اَعْجَبَ / مضارع: يُعْجِبُ)

قُدْرَة	قُدْرَة	قُدْرَة	قُدْرَة	قُدْرَة	قُدْرَة
قدرت	قدرت	قدرت	قدرت	قدرت	قدرت
تَنْبُتٌ	تَنْبُتٌ	تَنْبُتٌ	تَنْبُتٌ	تَنْبُتٌ	تَنْبُتٌ
می‌روید (رشد می‌کند)	رشد می‌کند (می‌روید)	رشد می‌کند (می‌روید)	رشد می‌کند (می‌روید)	رشد می‌کند (می‌روید)	رشد می‌کند (می‌روید)
حَيَاةٌ	حَيَاةٌ	حَيَاةٌ	حَيَاةٌ	حَيَاةٌ	حَيَاةٌ
زندگی	زندگی	زندگی	زندگی	زندگی	زندگی
بُدُورٌ	بُدُورٌ	بُدُورٌ	بُدُورٌ	بُدُورٌ	بُدُورٌ
دانه‌ها	دانه‌ها	دانه‌ها	دانه‌ها	دانه‌ها	دانه‌ها
تُعْطِي	تُعْطِي	تُعْطِي	تُعْطِي	تُعْطِي	تُعْطِي
می‌دهد	می‌گیرد	پنهان می‌کند	آشکار می‌کند	می‌گریزد	باز می‌گردد
جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ	جَمِيلَةٌ
زیبا	زشت	زندگی	مرگ	فراموش می‌کند	به یاد می‌آورد
أَطْوَلُ	أَطْوَلُ	أَطْوَلُ	أَطْوَلُ	أَطْوَلُ	أَطْوَلُ
بلندتر، بلندترین	کوتاه‌تر، کوتاه‌ترین	زیر	روی، بالای	آینده	گذشته
ظَاهِرٌ	آلِفٌ	آلِفٌ	آلِفٌ	آلِفٌ	آلِفٌ
مفرد ظاهر (پدیده)	مفرد آلف (هزار)	مفرد آلف (هزار)	مفرد آلف (هزار)	مفرد آلف (هزار)	مفرد آلف (هزار)
أَشْجَارٌ	عُصُونٌ	عُصُونٌ	عُصُونٌ	عُصُونٌ	عُصُونٌ
مفرد الشجر (درخت)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)
أَثْمَارٌ	عَجَائِبٌ	عَجَائِبٌ	عَجَائِبٌ	عَجَائِبٌ	عَجَائِبٌ
مفرد ثَمَرٌ (میوه)	مفرد عَجِيبَةٌ (شگفت‌انگیز، عجیب)	مفرد عَجِيبَةٌ (شگفت‌انگیز، عجیب)	مفرد عَجِيبَةٌ (شگفت‌انگیز، عجیب)	مفرد عَجِيبَةٌ (شگفت‌انگیز، عجیب)	مفرد عَجِيبَةٌ (شگفت‌انگیز، عجیب)
أَمْثَارٌ	أَعْصَانٌ	أَعْصَانٌ	أَعْصَانٌ	أَعْصَانٌ	أَعْصَانٌ
مفرد مِثْرٌ (متر)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)	مفرد عُصْنٌ (شاخه)

التَّمارِين

الشَّعْرَانِ الْأَوَّلِي: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

(کدام کلمه از کلمات وژه‌نامه درس، با توضیحات زیر هماهنگی دارد؟)

- ۱- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ السَّارِضِ تَقْرِيْبًا. (دریایی است که تقریباً معادل $\frac{1}{3}$ زمین است.)
- ۲- اَلتَّجَمُّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. (جمع شدن و گردش پیرامون چیزی.)
- ۳- الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْرًا طَوِيْلًا. (کسی که خداوند به او عمری طولانی می‌بخشد.)
- ۴- الَّذِي يَغْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ. (کسی که در مزرعه کار می‌کند.)
- ۵- صِفَاتٌ اَحَدٌ اَوْ شَيْءٍ. (صفات کسی یا چیزی.)

الشَّعْرَانِ الثَّانِي: تَرْجِمِ اَلْاَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس مواردی را که از تو خواسته شده، مشخص کن.)

۱- ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا اَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ اَوْ اِنْسَانٌ اَوْ بَهِيْمَةٌ اِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. (الْجَزَاءُ وَ الْمَجْرُورُ، وَ اسْمُ الْفَاعِلِ)

باز و مهرور

باز و مهرور

اسم فاعل

هیچ مسلمانی نیست که زری (کشتی) را بکارد یا نهالی بکارد و از آن پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی (حیوانی) بخورد، مگر این که به وسیله آن برای او صدقه‌ای بوده است (می‌باشد).

(أَفْعَلُ الْمَاضِي وَ الْمَفْعُولُ)

۲- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ عَرَسًا إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْعَرْسِ.

هیچ مردی نیست که نهالی بکارد، مگر این که خداوند برای او به اندازه میوه آن نهال پاداش می‌نویسد.

(أَفْعَلُ الْمَجْهُولِ، وَ الْفَاعِلِ)

۳- سئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْأَمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرَعٌ، زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.

از پیامبر ﷺ سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: کشتی که صاحبش آن را کاشته است (بکارد).

الشَّرِيحُ الثَّلَاثُ: أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الثَّلَاثَةِ حَسَبَ الصُّورِ.

(براساس تصاویر، به سؤالات زیر پاسخ بده.)



في أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟ (این هرم‌ها در چه کشوری است واقع است، قرار دارد؟)

بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ (دانش‌آموزان با چه چیزی به مدرسه می‌روند؟)

تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ فِي بِلَادِ مِصْرَ. (این هرم‌ها در کشور مصر است.)

يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِحَافِلَةِ مَدْرَسِيَّةٍ. (دانش‌آموزان با یک اتوبوس مدرسه، به مدرسه می‌روند.)



لِمَنْ هَذَا التَّمثالُ؟ (این تندیس برای چه کسی است؟)

كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلِ فِي الشِّتَاءِ؟ (در زمستان هوا در اردبیل چه‌طور است؟)

هَذَا التَّمثالُ لِسَيبَوَيْهٍ. (این تندیس، برای سیبویه است.)

الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلِ بَارِدٌ جَدًّا. (هوا در اردبیل بسیار سرد است.)



ماذا تُشاهدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟ (روی رودخانه چه چیزی می‌بینی؟)

هل تُشاهدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟ (آیا در تصویر، چهره‌ای می‌بینی؟)

أشاهدُ بَيْتًا خَشَبِيًّا فَوْقَ النَّهْرِ. (یک خانه چوبی روی رودخانه می‌بینم.)

نَعَمْ، أَشاهدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ. (بله، در تصویر چهره‌ای می‌بینم.)

الشمیر الرابع: أَلِف: عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ.

(ترجمه درست را براساس قواعد معرفه و نکره، مشخص کن.)

- | | | | | |
|--------------------------------|-------------------------------------|----------------------|-------------------------------------|---------------------|
| ۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. | <input checked="" type="checkbox"/> | صدای عجیبی را شنیدم. | <input type="checkbox"/> | صدای عجیب را شنیدم. |
| ۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | <input type="checkbox"/> | به روستایی رسیدم. | <input checked="" type="checkbox"/> | به روستا رسیدم. |
| ۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي | <input checked="" type="checkbox"/> | نگاهی به گذشته | <input type="checkbox"/> | نگاه به گذشته |
| ۴- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ | <input type="checkbox"/> | بندگان درستکار | <input checked="" type="checkbox"/> | بندگان درستکار |
| ۵- أَلَسَّوَأُ الْعَتِيقُ | <input checked="" type="checkbox"/> | دستبند کهنه | <input type="checkbox"/> | دستبندی کهنه |
| ۶- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ | <input type="checkbox"/> | تاریخی زرین | <input checked="" type="checkbox"/> | تاریخ زرین |

ب: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكْرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ. (جمله‌های زیر را براساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کن، سپس معرفه و نکره را در کلماتی که زیرشان با خط اشاره شده است، مشخص کن.)



سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ ٢.

معرفه (اسم فاعل) معرفه

سازمان یونسکو، مسجد امام و گنبد کاووس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.

معرفه معرفه



حَدِيقَةُ شَاهَزَادَه قُرْبَ كِرْمَانِ جَنَّةٍ فِي الصَّحْرَاءِ.

نکره

باغ شاهزاده، نزدیک کرمان، بهشتی در صحرا است.

نکره

قَبْرُ كَوْزِش يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ.

نکره

آرامگاه کوروش، گردشگرانی را از کشورهای جهان جذب می‌کند.

نکره



مَعْبَدُ كُرْدْكَلَا فِي مَحَافِظَةِ مَارَنْدَرَانِ أَحَدِ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ. معبد (پرستشگاه) کُرْدْكَلَا در استان مازندران، یکی از آثار باستانی است.

معرفه

معرفه (اسم فاعل)

توجه: کلمه «قابوس» یک اسم خاص است، بنابراین با وجود داشتن تنوین، هم‌چنان «معرفه» به شمار می‌رود!



الشرین الخامس: عین الکلمة الصحیحة حسب الفعل الماضي.
(کلمه درست را براساس فعل ماضی، مشخص کن.)

الفعل الماضي	الفعل المضارع	فعل الامر	المصدر	اسم الفاعل
وافق	<input checked="" type="checkbox"/> يوافق	<input checked="" type="checkbox"/> وافق	<input type="checkbox"/> التوفيق	<input checked="" type="checkbox"/> الموافق
تقرب	<input type="checkbox"/> يقرب	<input type="checkbox"/> قرب	<input checked="" type="checkbox"/> التقرب	<input type="checkbox"/> المقرب
تعارف	<input checked="" type="checkbox"/> يتعارف	<input checked="" type="checkbox"/> تعارف	<input type="checkbox"/> المعارفة	<input checked="" type="checkbox"/> المتعارف
اشتغل	<input type="checkbox"/> يشتغل	<input checked="" type="checkbox"/> اشتغل	<input type="checkbox"/> الانشغال	<input checked="" type="checkbox"/> المشتغل
انفتح	<input type="checkbox"/> يفتح	<input checked="" type="checkbox"/> انفتح	<input type="checkbox"/> الافتتاح	<input type="checkbox"/> المتفتح
استرجع	<input checked="" type="checkbox"/> يسترجع	<input checked="" type="checkbox"/> استرجع	<input type="checkbox"/> الرجوع	<input checked="" type="checkbox"/> المسترجع
نزل	<input type="checkbox"/> ينزل	<input type="checkbox"/> انزل	<input type="checkbox"/> النزول	<input checked="" type="checkbox"/> المنزل
اكترم	<input checked="" type="checkbox"/> يكرم	<input checked="" type="checkbox"/> اكرم	<input checked="" type="checkbox"/> الاحرام	<input type="checkbox"/> الاكرم
	<input type="checkbox"/> يكرم	<input type="checkbox"/> كرم	<input type="checkbox"/> التكريم	<input checked="" type="checkbox"/> المكرم

الشرین السادس: صغ في الفراغ كلمة مناسبة.

(در جای خالی، کلمه مناسبی قرار بده.)

- ۱- يُشَجِّعُ الْ..... فَرِيقَهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. (تماشاجیان تیمشان را در ورزشگاه تشویق می کنند.)
 مواصفات (ویژگی‌ها) متاجر (مغازه‌ها) متفرجون (تماشاجیان)
- ۲- شَرَطِي الْمُرورِ حَتَّى تَتَوَقَّفَ السَّيَّارَاتُ. (پلیس راهنمایی و رانندگی سوت می زند تا خودروها متوقف شوند (بایستند).)
 يصفِرُ (سوت می زند) يتعادل (برابر می شود) يمتلي (پُر می شود)
- ۳- وَصَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. (چراغ را در چراغدان خانه گذاشتم.)
 تخفيض (تخفیف) مفتاح (کلید) مشكاة (چراغدان)
- ۴- جَدِي لَا بَعْضَ ذِكْرِيَانِهِ. (پدر بزرگم برخی از خاطراتش را به یاد نمی آورد.)
 يغرس (می کارد) يتذكر (به یاد می آورد) يثبت (می روید)
- ۵- شَارَكَ زُمَلَانًا فِي عِلْمِيَّةٍ. (هم‌شاگردی‌های ما (هم‌کلاسی‌های ما) در یک مسابقه علمی شرکت کردند.)
 مباراة (مسابقه) إلتفاف (در هم پیچیدن) بذور (دانه‌ها)
- ۶- سَجَلْ لَاعِبِنَا رَائِعًا. (بازیکن ما گل جالبی را ثبت کرد.)
 جذعا (تنه) هدفاً (گل) نوعية (جنس)

الشَّعْرِينِ السَّلْبِغِ : أَكْتُتِبُ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

(جمع این اسمها را بنویس.)

تاریخ: تَوَارِيخ (تاریخها)	أَثَر: أَثَار (آثار)	سَائِح: سَيَاح (گردشگران)
دَوْلَة: دَوْل (کشورها، حکومتها)	عِبَاد: عِبَاد (بندگان)	قَرْيَة: قُرَى (روستاها)
رَسُول: رُسُل (فرستاده شدگان، پیامبران)	مَلْعَب: مَلَاعِب (ورزشگاهها)	بَهِيمَة: بَهَائِم (چارپایان)
شَجَر: أَشْجَار (درختان)	عُضْن: أَغْصَان (شاخهها)	سِرْوَال: سِرَاوِيل (شلوارها)
قَبْر: قُبُور (قبرها)	حَي: أَحْيَاء (زندگان)	زَيْت: زَيْوَات (روغنها)

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

إِنْحَثْ عَنِ نَصِّ حَوْلَ أَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.

(دنبال متنی پیرامون اهمیت درختکاری بگرد.)

سؤال‌های امتحانی

سؤال‌های ترجمه محور

۱- اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَظًّا.

(الف) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. (پوشاننده - خفه کننده - بلند)

(ب) وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ. (زیباتر - حلال تر - خوب تر)

۲- أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

(الف) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ فِي إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. (جُرُر - جَوْرَة - مُحَافِظَة)

(ب) عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. (حَيَّرَ - أَسْفَلَ - أَسْرَعَ)

۳- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

(الف) ثَرَاب شَجَرَة جَذَع

(ب) أَحْسَن أَخْضَر أُطِيب أَفْضَل

۴- عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

(۱) بی شک خدا رشددهنده دانه و هسته است.

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى﴾

(۲) بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

۵- عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

(۱) گازهایی آلوده کننده

(الف) غَازَاتٌ مُلَوِّثَةٌ

(۲) گازهای آلوده کننده

(۱) درختان کهنسال

(ب) الْأَشْجَارُ الْمُعَمَّرَةُ

(۲) درختانی کهنسال

۶- عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

(۱) درخت نان درختی استوایی است که در جزیره‌های اقیانوس آرام رشد می کند.

(الف) شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ إِسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُرُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِيءِ.

(۲) درخت نان درختی استوایی است که در جنگل‌های اقیانوس اطلس رشد می کند.

(۱) کشاورزها آن را برای حفظ محصولاتشان از حیوانات، چون دیواری دور مزارع

(ب) يَسْتَعْدِمُهَا الْمُرَاعُونَ كَسِيحٍ حَوْلَ الْمُرَاعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ

استفاده می کنند.

مِنَ الْحَيَوَانَاتِ.

(۲) کشاورزها برای حفظ محصولاتشان از حیوانات، دیواری دور مزارعشان می کشند.

٧- كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ.

(الف) تُوَجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ إِبِلَامِ وَ لِرِسْتَانِ.

(ب) قَدْ تَبَلَّغَ شَجَرَةُ الْبَلُوطِ مِنَ الْعُمُرِ الْفِي سَنَةٍ.

٨- أَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ.



(ب) يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ.



(الف) هُنَاكَ حَوْلَ الْمَرْزَعَةِ.

٩- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

(الف) ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ.

(ب) مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُغَطِّي أَنْثَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ.

(ج) قَدْ بَلَغَ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ.

١٠- أَكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ.

(الف) أَغْصَانٌ ^{مفرد}

(ب) جِذَعٌ ^{جمع}

(ج) بَذْرٌ ^{جمع}

١١- صُغْ عَلَامَةَ الْمُتْرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ. (=)

<input type="checkbox"/> غَيْمٌ	<input type="checkbox"/> سَحَابٌ
<input type="checkbox"/> جَاهِزٌ	<input type="checkbox"/> حَاضِرٌ
<input type="checkbox"/> ظِلَامٌ	<input type="checkbox"/> ضِيَاءٌ
<input type="checkbox"/> إِحْسَانٌ	<input type="checkbox"/> إِسَاءَةٌ
<input type="checkbox"/> فَرْحٌ	<input type="checkbox"/> حَزِينٌ
<input type="checkbox"/> مِنْ فَضْلِكَ	<input type="checkbox"/> رَجَاءٌ
<input type="checkbox"/> يَنْبُوعٌ	<input type="checkbox"/> عَيْنٌ
<input type="checkbox"/> عِدَاوَةٌ	<input type="checkbox"/> صَدَاقَةٌ

١٢- صُغْ فِي الْمُرَبِّعِ الْحَرْفَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

(الف) رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ

(ب) شَجَرَةُ الْبَلُوطِ

(ج) الْخُبُوبُ

(د) التُّرَابُ

١٣- عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

(الف) يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ.

(ب) يُمْكِنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.

١٤- أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ؟

(الف) الَّذِي يَرَاقِبُ مَرْمَى كُرَةِ الْقَدَمِ. (حَارِسُ الْمَرْمَى - زَارِعُ الْمَرْزَعَةِ - الْمَشَاغِبُ)

(ب) الَّذِي يُشَاهِدُ الْمُبَارَاةَ فِي الْمَلْعَبِ. (الْمَوْطَفُ - الْمَتَفَرِّجُ - الْمُرَافِقُ)

١٥- عَيِّنِ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

(الف) ﴿فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ هَرِ أَنْ كِه تَخْمِ بَدِي كَشْتِ وَ چِشْمِ نِيكِي دَاشْتِ / دِمَاغِ بِيهْدِه پَخْتِ وَ خِيَالِ بَاطِلِ بَسْتِ

(ب) ﴿وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ نِمَائِدِ سَتْمَكَارِ بَدِ رُوزْگَارِ / بَمَائِدِ بَرُو لَعْنَتِ پَايدَارِ

سؤال های قاعده محور



۱۶- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمُضَدُّ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
مُخْرَجٌ <input type="checkbox"/>	خُرُوجٌ <input type="checkbox"/>	أَخْرَجُ <input type="checkbox"/>	يُخْرِجُ <input type="checkbox"/>	الف) أَخْرَجَ
خَارِجٌ <input type="checkbox"/>	إِخْرَاجٌ <input type="checkbox"/>	إِخْرَجُ <input type="checkbox"/>	يَخْرِجُ <input type="checkbox"/>	
مُسْتَعْدِمٌ <input type="checkbox"/>	إِسْتِخْدَامٌ <input type="checkbox"/>	إِسْتَعْدِمُ <input type="checkbox"/>	يُسْتَعْدِمُ <input type="checkbox"/>	ب) إِسْتَعْدَمَ
مُسْتَعْدَمٌ <input type="checkbox"/>	مُخَادَمَةٌ <input type="checkbox"/>	خَادِمٌ <input type="checkbox"/>	يُسْتَعْدِمُ <input type="checkbox"/>	

۱۷- أَكْتُبِ إِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ فِي الْعِبَارَاتِ.

الف) تَحْمِلُ شَجَرَةَ الْخُبْزِ أَثْمَاراً فِي نِهَائِهِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.

۱۸- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ وَ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ فِي الْعِبَارَاتِ.

الف) ﴿أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾

۱۹- عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنْبَسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ.

الف) قَدْ كَانُوا

ب) كَانَا يَغْسِلَانِ

ج) كَانَتَا تُصَدِّقَانِ

د) كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ب) لَا تَتَعَجَّبُوا

ج) لَا تُخَيِّرْ

د) لَا تُنْقِدُوا

هـ) لَا تُنْقِدُوا

۲۰- اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

الف) إِسْمُ الْمَعْرِفَةِ:

أ) مَدْرَسٌ

ب) أَفْرَاسٌ

ج) جَعْفَرٌ

ب) إِسْمُ النَّكْرَةِ:

أ) نُورٌ

ب) مُحَمَّدٌ

ج) عَلِيٌّ

ج) إِسْمُ الْإِشَارَةِ:

أ) هُنَاكَ

ب) هُنَّ

ج) هُمْ

د) الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ:

أ) حَمَلْتُ

ب) يَحْمِلُ

ج) تُحْمَلُ

هـ) الْفِعْلُ الْمُسْتَقْبَلُ:

أ) نَسَكْتُ

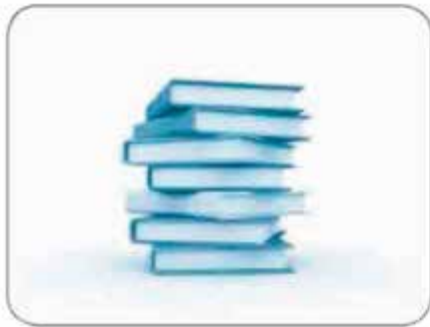
ب) سَحَبَ

ج) سَيَسْبَبُ

سؤال های فهم و درک مطلب



۲۱- أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ.



ب) كَمْ كِتَاباً تَرَى فِي الصُّورَةِ؟



الف) فِي أَيِّ مَدِينَةِ إِيرَانَ تَقَعُ هَذِهِ الصُّورَةُ؟

۲۲- صَغُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

الْخَانِقَةُ - السَّنَجَابُ - الطَّوَاهِرُ - جَمِيلَةٌ

- (الف) وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ
 (ب) يَذْفِنُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ.
 (ج) تُوَجَدُ غَابَاتٌ مِنْ شَجَرَةِ الْبَلُوطِ فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ.

۲۳- نَظِّمِ الْكَلِمَاتِ عَيْرِ الْمُنَظَّمَةِ.

الْأَعْبُ - يُسَجَّلُ - سُوفَ - هَدَفًا

۲۴- اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَحِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ الْآفِي سَنَةٍ. تُوَجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْفَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجُوزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.

(الف) أَيْنَ يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ الْجُوزَاتِ؟

(ب) مَتَى تَنْمُو الْجُوزَةُ وَ مَاذَا تَصِيرُ؟

(ج) عَيِّنِ الْأَسْمَاءَ الَّتِي تَكُونُ جَمْعًا.

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ. (۱ - ۴)

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْغُبِّ وَ النَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ﴾

- (۱) قطعاً خداوند شکافنده هسته و دانه است و مُردگان را با زنده‌ها محشور می‌سازد.
 (۲) قطعاً خداوند شکافنده دانه و هسته است که زنده را از مُرده بیرون می‌آورد.
 (۳) بی‌گمان خداوند رشدهنده هسته و دانه است و زنده را از مُرده بیرون می‌آورد.
 (۴) بی‌گمان خداوند رشدهنده دانه و هسته است و مردگان را با زنده‌ها محشور می‌سازد.
 ۲- «رَائِحَةُ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ وَ تَحْتَوِي بُدُورَهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الرُّبُوتِ.»
 (۱) بوی درخت ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی مقداری روغن است.
 (۲) بوی درخت ناپسند است و حیوانات از آن بیزارند و دانه‌های آن حاوی کمی از روغن است.
 (۳) بوی درخت ناخوشایند است و حیوانات زیادی از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی روغن است.
 (۴) بوی درختان ناپسند است که حیوانات از آن بیزارند و دانه روغنی از آن استخراج کردند.

-۳

- (۱) مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ: از ویژگی‌های مهم این درخت،
 (۲) أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ: این است که در طول سال میوه می‌دهد،
 (۳) تَبْدَأُ حَيَاتِهَا بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ: زندگی خود را با پیچیدن دور تنه درختی شروع می‌کند،
 (۴) ثُمَّ تَحْتَقِقُهَا تَدْرِيجِيًّا: سپس آن را به تدریج می‌میراند.

-۴

- (۱) يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ: مردم، مغز این میوه را خواهند خورد.
 (۲) يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ: کشاورزان از آن مانند یک دشت استفاده می‌کنند.
 (۳) يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا: در تولید نفت از آن استفاده می‌شود.
 (۴) قَدْ يَنْسَى الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ: گاهی انسان خودش را فراموش می‌کند.

عَبِّنِ الْخَطَأَ فِي التَّرْجَمَةِ. (۵ - ۶)

-۵

- (۱) أَلْرُّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ: شیشه، گویی که آن ستاره‌ای درخشان است.
- (۲) لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ: برای بار دوم بی‌هدف شکل گرفته است.
- (۳) زَبْمًا بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ: چه بسا به خاطر آفساید است.
- (۴) يَمْتَلِي الْمَلْعَبُ بِالْمَتَفَرِّجِينَ: ورزشگاه با تماشاچیان پر می‌شود.

-۶

- (۱) سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: پیامبر ﷺ پرسید.
- (۲) زَرَعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ: کشتی که صاحبش آن را بکارد.
- (۳) سَجَلَتْ مُنْتَظِمَةُ الْيُونِسْكَو: سازمان یونسکو ثبت کرد.
- (۴) مَسْجِدُ الْإِمَامِ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: مسجد امام در لیست میراث جهانی است.

۷- في أيِّ عبارة جاءتِ النِّكْرَةُ.

- (۱) جَزِيرَةٌ فِشْمٌ تَقَعُ فِي مَحَافِظَةِ هُرْمُزْجَانِ.
- (۲) عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ.
- (۳) شَجَرَةٌ السَّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ.
- (۴) الْأَشْجَارُ الْعَجِيْبَةُ مِنْ هَذِهِ الطَّوَاهِرِ وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَهَا.

۸- الْإِلْتِفَافُ

- (۱) كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.
- (۲) طَرَحَ سُؤَالَ صَعْبٍ.
- (۳) رَأَى لِحْلَ مُشْكَلَةٍ.
- (۴) أَلْتَجَمَّعَ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.

۹- في أيِّ عبارة جاء اسمُ الفاعِلِ وَ الفِعْلُ المُضَارِعُ مَعاً.

- (۱) مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ.
- (۲) زَرَعٌ، زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.
- (۳) ﴿أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ﴾
- (۴) مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

۱۰- عَبِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا النَّكْرَتَانِ.

- (۱) هُوَ أَعْلَمُ بِسَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُؤَظَّةِ الْحَسَنَةِ.
- (۲) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.
- (۳) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
- (۴) أَلْتَنَائِزُ تُسَمِّيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالأَسْمَاءِ الْقَبِيْحَةِ.

پاسخ سؤال‌های امتحانی

ب) از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که در طول سال میوه‌هایی می‌دهد.

ج) گاهی بلندی برخی از آن‌ها به بیشتر از صد متر می‌رسد.

۱۰- مفرد یا جمع اسم‌های زیر را بنویس.

الف) **أَغْصَانٌ** مفرد **غُضْنٌ** (شاخه)

ب) **جِذْعٌ** جمع **جُذُوعٌ** (تنه‌ها)

ج) **بُذُرٌ** جمع **بُذُورٌ** (دانه‌ها)

۱۱- علامت مترادف یا متضاد را در مکان مناسبش قرار بده.

غَيْمٌ = **سَحَابٌ** (ابر) **فَرَحٌ** (شاد) **حَزِينٌ** (غمگین)

جَاهِزٌ = **حَاضِرٌ** (آماده) **مِنْ فَضْلِكَ** = **رِجَاءٌ** (لطفاً)

ظَلَامٌ (تاریکی) **ضِيَاءٌ** (روشنایی) **يَنْبُوعٌ** = **عَيْنٌ** (چشمه)

إِحْسَانٌ (نیکی کردن) **إِسَاءَةٌ** (بدی کردن)

عِدَاوَةٌ (دشمنی) **صَدَاقَةٌ** (دوستی)

۱۲- در مربع، حرف مناسب را قرار بده. (یک کلمه اضافی است.)

الف) **رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ**. (بوی بدی که حیوانات از آن فرار می‌کنند.)

ب) **شَجَرَةٌ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ**. (درخت بلوط از درختان کهنسال است.)

ج) **الْحُبُوبُ بُدُورٌ يَنْسُرُهَا الْمَزَارِعُ فِي الْمَرْزَعَةِ**. (دانه‌ها، بذرهایی هستند که کشاورز آن‌ها را در مزرعه پخش می‌کند.)

د) **التُّرَابُ: خَاكٌ / وَازَةٌ** اضافی است.

۱۳- جمله درست و نادرست را براساس واقعیت، مشخص کن.

الف) سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند. (درست)
ب) خرید سیم کارت از اداره مخابرات امکان دارد. (درست)

۱۴- کدام کلمه از کلمات وازه‌نامه با توضیحات هماهنگی دارد؟

الف) **حَارِسُ الْمَرْمَى / الَّذِي يُرَاقِبُ مَرْمَى كُرَّةِ الْقَدَمِ**. (دروازه‌بان - کشاورز مزرعه - اخلاکگر) (دروازه‌بان کسی است که از دروازه فوتبال محافظت می‌کند.)

ب) **الْمَتَفَرِّجُ / الَّذِي يُشَاهِدُ الْمُبَارَاةَ فِي الْمَلْعَبِ**. (کارمند - تماشاچی - همراه) (تماشاچی کسی است که مسابقه را در ورزشگاه مشاهده می‌کند.)

۱۵- فارسی مناسب عبارت عربی را مشخص کن.

الف) **﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ تَعَدَّ ذَلِكْ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾** (هر کس بعد از آن ستم کند، پس عذاب دردناکی دارد.) **—** نماند ستمکار بد روزگار / بماند بر و لعنت پایدار

ب) **﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾** (و هر کس به اندازه مثقال ذره‌ای کار بد انجام دهد، [سزای] آن را می‌بیند.) **—** هر آن که

تخم بدی کاشت و چشم نیکی داشت / دماغ بیهوده پخت و خیال باطل بست

۱- ترجمه درست کلمه‌ای را که زیر آن خط کشیده شده، انتخاب کن.

الف) درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی از جنگل‌های **الْخَائِقَةُ**

استوایی رشد می‌کند.

ب) سوگند به خدا، مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام نداده‌اند.

أَطْيَبُ

۲- در جای خالی یک کلمه مناسب براساس معنی بنویس.

الف) **شَجَرَةُ الْبَلُوطِ فِي مُحَافَظَةِ إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ**. (جزیره‌ها - دانه (گردو، بلوط و ...) - استان) (درخت بلوط در استان ایلام و لرستان است.)

ب) **عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ**. (بهتر است - پایین‌تر - سریع‌تر) (دانشمندی که از علم او سود برده می‌شود، از هزار عابد بهتر است.)

۳- کلمه بیگانه را در هر مجموعه مشخص کن.

الف) خاک درخت شاخه تنه

ب) نیکوتر سبز خوب‌تر بهتر

۴- ترجمه درست را مشخص کن.

گزینه «۲»: **فَالِقٌ**: شکافنده

۵- ترجمه درست را براساس قواعد معرفه و نکره، مشخص کن.

الف) گزینه «۱»: **غَازَاتٌ مُلَوَّنَةٌ**: گازهایی آلوده‌کننده (هر دو اسم، «نکره» هستند.)

ب) گزینه «۱»: **الْأَشْجَارُ الْمَعْمَرَةُ**: درختان کهنسال (هر دو اسم، «معرفه» هستند.)

۶- پاسخ درست را مشخص کن.

الف) گزینه «۱»: **جُرُورُ الْمُحِيطِ الْهَادِي**: جزیره‌های اقیانوس آرام
ب) گزینه «۱»: **كِسْبِيَاجٍ**: چون دیواری / **يَسْتَخْدِمُ**: استفاده می‌کند، (در این جمله) استفاده می‌کند

۷- ترجمه عبارت‌های زیر را کامل کن.

الف) جنگل‌هایی زیبا از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد.
ب) گاهی عمر درخت بلوط به دو هزار سال می‌رسد.

۸- نام هر تصویر را در جای خالی بنویس.

الف) **هُنَاكَ سِيَاجٌ حَوْلَ الْمَرْزَعَةِ**. (دیواری دور مزرعه وجود دارد.)

ب) **الْمَزَارِعُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ**. (کشاورز در مزرعه کار می‌کند.)

۹- عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

الف) پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را اثبات می‌کند و آن، قدرت خدا است.

۲۲- در جای خالی یک کلمه مناسب از کلمات زیر قرار بده. (یک کلمه اضافی است).

الف) وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ الظَّوَاهِرِ. (و اکنون برخی از پدیده‌ها را شرح می‌دهیم).

ب) يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ. (سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند).

ج) تَوْجَدُ غَابَاتٍ جَمِيلَةً مِنْ شَجَرَةِ الْبَلُوطِ فِي مُحَافَظَةِ اِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. (جنگل‌هایی زیبا از درخت بلوط در استان ایلام و لرستان وجود دارد).

توجه: واژه «الْخَائِنَةَ» به معنی «خفه‌کننده»، اضافی است.

۲۳- کلمات نامرتب را مرتب کن.

الْأَلَعِبُ سَوْفَ يَسْجَلُ هَدَفًا. / سَوْفَ يَسْجَلُ اللَّاعِبُ هَدَفًا. بازیکن گلی را ثبت خواهد کرد.

۲۴- متن زیر را بخوان، سپس به پرسش‌ها پاسخ بده.

ترجمه متن:

«درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر [آن] به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند و گاهی محل [پنهان کردن] آن‌ها را فراموش می‌کند و در سال آینده، آن دانه رشد می‌کند و درختی می‌شود.»

الف) سنجاب بعضی از دانه‌های [بلوط] را کجا پنهان می‌کند؟ يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ. (سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند).

ب) چه زمانی دانه بلوط رشد می‌کند و چه می‌شود؟ تَنْمُو الْجَوْزَةُ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً. (دانه بلوط در سال آینده رشد می‌کند و درختی می‌شود).

ج) اسم‌هایی که در متن به صورت جمع به کار رفته است: الْأَشْجَارُ: جمع مکسر «مفردش: الشَّجَر» / غَابَات: جمع مؤنث سالم «مفردش: غَابَةٌ» / جَوْزَات: جمع مؤنث سالم «مفردش: جَوْزَةٌ».

۱۶- کلمه درست را براساس فعل ماضی مشخص کن.

الف) أَخْرَجَ (ماضی) - يُخْرِجُ (مضارع) - أَخْرَجَ (امر) - إِخْرَاجَ (مصدر) - مُخْرِجَ (اسم فاعل)

ب) اسْتَخْدَمَ (ماضی) - يَسْتَخْدِمُ (مضارع) - اسْتَخْدِمَ (امر) - اسْتِخْدَامَ (مصدر) - مُسْتَخْدِمَ (اسم فاعل)

۱۷- نقش کلمات رنگی را در عبارتها بنویس.

الف) تَحْمِيلُ شَجَرَةِ الْخُبْزِ أَمْرًا فِي نِهَآيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. (فعل مفعول)

ب) الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. (مبتدا مضاف اليه)

۱۸- مفعول، مبتدا و خبر را در عبارتها مشخص کن.

الف) ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (مفعول مفعول)

ب) جَمَالَ الْمَرْءِ فَصَاحَةً لِسَانِهِ. (مبتدا خبر)

۱۹- فعلی را که با فعل‌های دیگر در نوع هماهنگ نیست، مشخص کن.

الف) فعل «قَدْ + ماضی = قَدْ كَانُوا» ماضی نقلی و بقیه فعل‌ها ماضی استمراری «كَانَ + مضارع» هستند.

ب) فعل «لَا يَسْكُنُونَ» مضارع منفی و بقیه فعل‌ها، فعل نهی هستند. ۲۰- پاسخ درست را انتخاب کن.

- | | | |
|--|--|---|
| الف) <input type="checkbox"/> نکره | <input type="checkbox"/> نکره | <input checked="" type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) |
| ب) <input checked="" type="checkbox"/> نکره | <input type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) | <input type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) |
| ج) <input checked="" type="checkbox"/> اسم اشاره | <input type="checkbox"/> ضمیر | <input type="checkbox"/> ضمیر |
| د) <input type="checkbox"/> ماضی معلوم | <input type="checkbox"/> مضارع معلوم | <input checked="" type="checkbox"/> مضارع مجهول |
| ه) <input type="checkbox"/> مضارع | <input type="checkbox"/> ماضی | <input checked="" type="checkbox"/> مستقبل |

۲۱- به دو پرسش زیر پاسخ بده.

الف) این تصویر در کدام شهر قرار دارد؟ تَقَعُ هَذِهِ الصُّورَةُ فِي مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ. (این تصویر در شهر اصفهان قرار دارد).

ب) چند کتاب در تصویر می‌بینی؟ أَرَى فِي الصُّورَةِ سَبْعَةَ كُتُبٍ. (در تصویر، هفت کتاب می‌بینم).

پاسخ‌سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه «۲» فالِقٌ: شکافنده / الْحَبِّ وَ النَّوَى: دانه و هسته / الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ: زنده از مُرده
- ۲- گزینه «۱» رائِحَةُ الشَّجَرَةِ: بوی درخت / تَهْرُبُ: فرار می‌کنند / بُدُوْرُهَا: دانه‌های آن / تَحْتَوِي عَلَيَّ: حاوی
- ۳- گزینه «۳» ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
- ۱) از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت
- ۲) این است که در طول سال میوه‌هایی می‌دهد.
- ۴- گزینه «۲» ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
- ۱) مردم، مغز این میوه‌ها را می‌خورند.
- ۲) کشاورزان از آن مانند یک پرچین استفاده می‌کنند.
- ۳) تولید نفت از آن [ها] امکان دارد.
- ۵- گزینه «۲» ترجمه درست: دوباره بدون گُل برابر شده‌اند.
- ۶- گزینه «۱» ترجمه درست: از پیامبر ﷺ پرسیده شد.

۷- گزینه «۳» بررسی گزینه‌ها:

- ۱) اسم‌های «جَزِيرَةٌ، قِشْمٌ، مُحَافِظَةٌ، هُرْمُزْجَانٌ» معرفه هستند. برخی از اسم‌ها، خود اسم‌های خاص هستند (قِشْمٌ، هُرْمُزْجَانٌ) و برخی چون به اسم خاص اضافه شده‌اند، معرفه‌اند (جَزِيرَةٌ، مُحَافِظَةٌ).
- ۲) اسم‌های «عَلِيٌّ، مَعَ، الْحَقُّ» معرفه‌اند، برخی «أَلٌ» دارند (الْحَقُّ)، برخی اسم خاص هستند (عَلِيٌّ) و برخی مضاف به معرفه شده‌اند (مَعَ).
- ۳) اسم «شَجَرَةٌ» نکره است و بقیه اسم‌ها معرفه هستند: شَجَرَةٌ، السُّكُوبَا، أَطُولُ، أَشْجَارُ، الْعَالَمِ.

- ۴) اسم‌های «الْأَشْجَارُ، الْعَجِيبَةُ، هَذِهِ، الظَّوَاهِرُ، الْآنَ، بَعْضٌ، هَا» معرفه‌اند.

نکته (بیشتر بدانیم) اسم‌های معرفه عبارت‌اند از:

- ۱) اسم‌های خاص: عَلِيٌّ، فَاطِمَةُ، بَهْزَادٌ، دَمَاوَنْدٌ، طَهْرَانٌ، إِضْفَهَانٌ
- ۲) ضمیرها: هُوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، ...

- ۳) اسم‌های اشاره: هَذَا، هَذِهِ، ذَلِكَ، تِلْكَ، هَؤُلَاءِ، ...

- ۴) اسم‌های ال‌دار: الْكِتَابُ، الْقُرْآنُ، الرَّسُولُ، الْبَيْتُ

- ۵) اسم‌هایی که به یکی از معرفه‌های چهارگانه بالا مضاف شود:

كِتَابٌ + اللهُ ← كِتَابُ اللهِ
 نکره معرفه اسم مضاف به الله (معرفه) اسم خاص (معرفه)

۸- گزینه «۴» «در هم پیچیدن» (الْإِلْتِفَافُ)، جمع‌شدن و

پیچیدن دور چیزی است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

- ۱) سخنی پنهان، میان دو شخص است.

- ۲) طرح پرسشی سخت است.

- ۳) نظری برای حل مشکلی است.

۹- گزینه «۴» بررسی گزینه‌ها:

- ۱) فعل مضارع وجود دارد (يَعْرِشُ)، ولی اسم فاعل وجود ندارد.

- ۲) اسم فاعل وجود دارد (صَاحِبٌ)، ولی فعل مضارع وجود ندارد.

- ۳) فعل مضارع و اسم فاعلی وجود ندارد.

- ۴) هم اسم فاعل وجود دارد (مُسْلِمٌ) و هم فعل مضارع (يَزْرَعُ).

۱۰- گزینه «۲» بررسی گزینه‌ها:

- ۱) در این گزینه یک اسم نکره وجود دارد (أَعْلَمُ).

- ۲) در این گزینه دو اسم نکره وجود دارد (شَيْءٌ، أَثْقَلُ).

- ۳) در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد.

- ۴) در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد.